
آستان قدس

بسم الله الرحمن الرحیم

نستمد ونستعین والحمد لله رب العالمین دانای توانا تبارک وتعالی
که مقبولی از ناظمان درر اوصاف حبیب واجب الترحیب
او کوی اخلاص واختصاص از جولانیان میدان فصاحت وبلاغت
بانشاد قصیده برده وبتلقین ملهم توفیق ارکان اربعه مفتتح امرا
والمنقلبة ام الکتاب فی جمیع الابواب آمنت آورده هم دعاء استجابت
ایت که صدق نیت بلسان فال مبارک مال ادا کرده وهم بشارت امان
از مکاره هر دو جهان نسبت با تمام انام بشارتی در برده صلی الله وسلم
علی حبیبه المختار محمد واله الاطهار وعترته البررة الاخیار واز مآثر
متکاثر میامن وبرکات این قصیده فرخنده آنکه چون قصد کرده شد
که شرحی فارسی قلمی کرده دانراهمه د مبادی قیام بان مرام عالی حضرت
متعالی منزلت که هم سمی ممدوح در قصیده است صلی الله علیه واله
وسلم وهم شبیه حمیده سیما مقتضیات عوالی همم انجاز وعد درحاشیه م
لسان نبوة لا یفوته شیء ولا یرده رد الحیث ورد فی الصحیح المسلم
یکون فی آخر امتی خلیفة یحثی المال حثیا لا یعده عدا الامام الموتمن
المغری ان الله یامر بالعدل والاحسان السلطان بن السلطان بن السلطان
الذی لا یعد مناقبه ولو کانت الاشجار اقلاما ویمدها سبعة

الحق والدنیا والدین سلطان محمد بهادرخان خلد الله تعالی
للاسلام والمسلمین میامن ملکه وسلطانه وابد علی قاطبة العالمین
مآثر منه وزوارف احسانه مثال متحتم الامتثال مشحون
بفنون عواطف ومراحم کونا کون ورود یافت که فقیر بجود
مشغول از کنج خمول احرام کعبه جلال بسته متوجه درگاه اسلام
پناه کردد فقلت السمع والطاعة لله ولرسوله ولاولی الامر منا
وچون مقاصد بسی فراید این قصیده حمیده از علو جلالت وسمو
منزلت حضرت ممدوح علیه وعلی اله شرایف الصلوة وکرایم التحیات
از آن قبیل است که قوة نظری عاقله بشری را طی طوای تحقیق
ان بنعلین متفد مین متمشی نمی کردد وقطع جبال وادی جن
سابقان میدان الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا
بجاذبت موهبت مغری اتیناه رحمة من عندنا وعلمناه
من لدنا علما استبعاد می نمایند کسی را میسر نه انسب
ان نمود که پیش از شروع در مقصد از نتایج کشف ووجدان
ان طایفه عظیم الشان اصلی چند مقرر نزد ایشان بالجمله
انسوق وقت روی نماید از مشیدات بنیان اتقان وایقان
اصول سمت افصاح وایضاح یابد واز استضاءت بانوار هدایت

که رعایة مناسبتش بادعادأب سخن دران ثناکستر است تحریک
بتریخ که ازمعانی ماده اش تمایل ازسکر است مودی کشته مسند
بریح مثل در سرعت حرکه وانکاه مخصص بصبا که مهبش مطلع اعتدال
تواند بود و متحرک بعذبات بان ادا رفته که تحریک بادرا
قابلی طوع انان ماده استاده در ممرش متصور نیست وبرای
ایمام رتبهٔ شعور واشعار نیز شطر ثانی عطف رفته بر مدخول ما
وانرواقف هوشمند پوشیده نماند لطف نکات مند بج دران
از اداء تحریک باطراب وتقدیم مفعول معبر به عیس
که اشد حیوانات عجم است در تاثر از اواز ملایم وبا وفور
قوت ومکنت سرکشی وکردن فرازی اطوع ازهمه چون دست
تصرف بسوی او یازی وتعبیر از محرک بحادی متوسل بصورت
کلامی وانکاه مضاف بلفظ عیس نه ضمیرش ایما بشدة اختصاص
میان فاعل وقابل او ومستمد انغم وبه الکلام قد کمل وتم واین هم
از حسن مقطع است این قصیدهٔ حمیده راچه تنبیه رفته بر انکه
اعلی مدارج ظهور که متعلق حب اصلی اولی افتاده مرتبهٔ اشعار است
ولهذا نسبهٔ مرتبه بمثابهٔ هیولی واقع شده مرتبهٔ ظهور وعینی را
صورت است وانصور بسند یک درشته تاثیر وعموم ان

بافصی

وعموم ان باقصی الغایة رسیده والله اعلم حاصل النحوی دستوری
کرامت فرمای ای پروردکار من ابرهای رحمة بی پایان حاصل وفایض
ازحضرت تو بر دوام بی انقطاع وانصرام تا بر نبی بارانند وپیوسته
ریزانند هم ذوارف عوارف معنوی را وهم طرایف لطایف
صوری را وبر آل واصحاب او پس بر پی روان ایشان موصوفان
به پرهیزکاری وپاکیزه کرداری وبردباری ومکرمه کذاری مادام که
جنباند سرهاء شاخ بان باد صبا وبنشاط اورده راند شتران
سفید مو را راننده ان اشتران قابلیات اسوده در براری
غیب وبیداء خفا از نشاط استماع حداء قول کن بمعوزه افرینش
وشهرستان شهادة در امده وسر نفر فطار ظهور واظهار وبیش
اهنک کرم روان مضمار شعور واشعار حضرت بزرکوار محمد و حسن
علیه واله الاطهار وعترته البررة الاخیار شرایف الصلوات وکرایم
التحیات وکلما ذکره الذاکرون وکلما سهی عنه الغافلون وچون
اخص واشرف مواقع صلوة که از فرایض است الحا واهمال دران روا
نه نماز است وخطبه در تحکیران ودر کتب معول علیه حدیث
مثل صحاح ستّ وما ینخرط فی سلکها کیفیة ان بعبارات
متنوع ورود یافته وهیچ اذان بی ذکر آل یا ذریة نیست وبعضی

ازواج واهل بیت نیز وارد شده بحمد الله تعالی
در مواضعی که خامه به
ثبت ان استعداد
یافته فایز گشته
بتوفیق اتفاق
ذلک فضل الله
یؤتیه
من یشاء
تم بعون
الله
وحسن
توفیقه
فی شهور
سنه